

نقش تعلق مکانی بر تاب‌آوری اجتماعی ناشی از جابجایی سکونتگاه (مطالعه موردی: روستای داهوییه، زلزله 1383 زرنند)

محسن سرتیپی‌پور^{*}، سعیده اسدی^{**}

1395/09/04

تاریخ دریافت مقاله:

1396/02/09

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

استراتژی جابه‌جایی جوامع روستایی آسیب‌دیده از زلزله با هدف کاهش آسیب‌پذیری در سوانح آتی، به دلیل وابستگی این پدیده به مکان، عدم توجه به ساختارهای موجود و تنزل کیفیت رابطه انسان-محیط همواره سبب اختلال در حس تعلق به مکان با پیامد مهم کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی خواهد شد. با توجه به اهمیت حفظ و ایجاد تاب‌آوری اجتماعی در برنامه‌های بازسازی، مطالعه حاضر نقش جابه‌جایی و تعلق به مکان در جامعه روستایی داهوییه پس از زلزله 1383 زرنند و تأثیر آن بر تاب‌آوری جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش با رویکرد کیفی و کمی می‌باشد که با روش آماری پارامتریک و تکمیل پرسشنامه با 32 سنجه، سه شاخص اصلی حس تعلق به مکان به‌عنوان متغیر مستقل و همچنین با 18 سنجه، دو شاخص اصلی تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته، توسط جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله و جامعه ساکن در شهرک (که پیش از زلزله به‌صورت اختیاری جابه‌جا شده‌اند) مورد سنجش قرار گرفته است. فرضیه‌های تحقیق نیز با استفاده از روش‌های تحلیل آماری، آزموده شدند. سپس با انجام مشاهدات میدانی و نیز مصاحبه نیمه‌ساختارمند با مسئولین وقت بازسازی، مطلعین و دهیاری روستا و همچنین براساس شاخص‌های مؤثر در نتایج کمی حاصله، فرضیه‌ها به روش کیفی توصیف و تبیین گردیدند. اینک با گذشت 12 سال از زلزله، تمایل بالای روستاییان به اجبار جابه‌جا شده در بازگشت به روستای قبلی نشان از عدم تعلق به مکان فعلی دارد که از مقولاتی همچون از بین رفتن مکان اجتماع روستا، خدشه در روابط اجتماعی و همسایگی‌ها، جدایی از عناصر محیطی دارای ارزش و دلبستگی خاطر مانند امامزاده، قبرستان، قنات و چشمه، منظر طبیعی ضعیف روستای فعلی در مقابل ظرفیت‌های غنی منظر طبیعی داهوییه قدیم و نیز تعارض شرایط کالبد و مسکن با ویژگی‌های اقلیمی، اجتماعی و فعالیت خانوار حادث شده است. به دنبال آن کاهش سطح تاب‌آوری آن‌ها نسبت به روستاییانی که در کنار جریان پیوسته زندگی در گزینش و ایجاد ساختارهای اجتماعی و کالبدی، آزادی انتخاب داشته‌اند، آشکار شد. مشارکت دو جامعه مذکور در مسائل و مناسبات مشترک اجتماعی روستا منجر به تقویت دلبستگی اجتماعی خواهد شد و این رویکرد در کنار بهبود منظر طبیعی، در ایجاد و تقویت تعلق به مکان و تاب‌آوری اجتماعی مؤثر واقع می‌شود.

واژگان کلیدی: تعلق به مکان، تاب‌آوری اجتماعی، زلزله 1383 زرنند، جابه‌جایی، روستای داهوییه.

^{*} استاد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

^{**} کارشناس ارشد، بازسازی پس از سانحه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

Saeedehasadi1363@gmail.com

مقدمه

زلزله تهدیدی جدی برای سکونتگاه‌های روستایی ایران محسوب می‌شود که روستا و جوامع ساکن در آن را به چالش‌های جدی در ابعاد مختلف مبتلا می‌گرداند. جابه‌جایی اجباری روستا به دلیل آسیب‌پذیری و تخریب‌های جدی چنین سکونتگاه‌هایی در صورت رخداد سانحه، بسیار رایج است. از آنجا که روستا وابسته به مکانی خاص می‌باشد، جابه‌جایی در حقیقت مؤثرترین عامل شکل‌دهنده آن، یعنی مکان را تغییر می‌دهد. چنین جابه‌جایی‌هایی باعث تغییر در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده و اهالی دچار مشکلات فراوانی می‌شوند (مرتضوی، 1385: 123).

جابه‌جایی به‌عنوان "اقدامات لازم برای سکونت دائمی افراد آواره یا آسیب دیده از سانحه به منطقه‌ای غیر از محل سکونت اولیه آن‌ها" تعریف شده است (DFID, 2008: 87). این اقدام در غالب مواقع، باوجود سازگاری جامعه در دراز مدت با الگوهای محیط زندگی، به‌صورت ناخواسته و به اجبار انجام می‌شود. از آنجا که براساس پژوهش‌های انجام شده، در جابه‌جایی تدریجی و اجباری تفاوتی اساسی در سطح وابستگی به مکان وجود دارد (Helen Adams, et al, 2015, 7)، غالباً جابه‌جایی‌های اجباری منجر به بحران‌های فیزیکی یا اجتماعی و ایجاد تهدیدی جدید برای جامعه می‌شوند (Nese Dikmen, 2006, 11).

از جمله پیامدهای جابه‌جایی اجباری، پدیده بی‌مکانی و عدم تعلق به مکان جدید است. "حس مکان و یا پدیده بی‌مکانی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به دلایلی ریتم‌های معمول زندگی به هم بخورد، مانند زمانی که مکان به دلیل جنگ یا سوانح طبیعی تغییر یابد یا فرد تغییر مکان دائمی به محل جدیدی را تجربه کند" (پرتوی، 1394، 129).

در استراتژی جابه‌جایی جوامع پس از سوانح رویکردهای مختلفی وجود دارد. به‌نظر می‌رسد چنانچه جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی، در پرتو سیاست‌های خود بتواند ساختارهای مختلف روستا را به شرایطی مانند قبل از سانحه یا نزدیک و یا بهتر از آن تغییر دهد موفق خواهد بود (سرتیپی پور و دیگران، 1394: 6). اما این هدف به دلیل حجم و دامنه کار بازسازی و جابه‌جایی غالباً مورد اغماض واقع شده و تنها محدود به ابعاد کالبدی ساختار روستا می‌گردد که افزایش آسیب‌پذیری‌ها و کاهش تاب‌آوری را به دنبال دارد. تاب‌آوری اجتماعی به معنای جذب شوک‌های ناشی از مخاطرات و ظرفیت بازگشت به شرایط پیشین و سازگاری با تغییرات و شرایط جدید پس از سانحه تعریف شده است (Davis & O.Izadkhan, 2006) که کاهش آن یکی از نگران‌کننده‌ترین عواقب جابه‌جایی و عدم تعلق به مکان می‌باشد.

مقاله حاضر بر اهمیت حس تعلق به مکان به‌عنوان عاملی مؤثر بر تاب‌آوری جامعه تمرکز دارد. فرض پژوهش بر این است که تاب‌آوری در طول جابه‌جایی به دلایلی از دست می‌رود، که مهمترین آن اختلال در حس تعلق به مکان و نقش مهم آن در ایجاد جامعه تاب‌آور است.

در سال 1383 در اثر فعالیت گسل داهوییه واقع در شرق شهرستان زرنند زلزله‌ای به بزرگی تقریبی 6.4 در مقیاس ریشتر به وقوع پیوست و روستاهای زیادی در این ناحیه دچار آسیب‌های جدی جانی و مالی شدند. مطالعه موردی پژوهش حاضر روستای داهوییه است که به دلیل قرارگیری بر روی گسل اصلی و منشاء زلزله، صدمات جدی‌تری را متحمل شد. از سویی به دلیل تخریب کامل کالبد روستا، حجم بالای آوار و بالابودن هزینه‌های آواربرداری و از سوی دیگر وجود مکان

تخلیه اجباری روستا، جامعه جابه‌جا شده حس تعلق به مکان نداشته‌اند.

به نظر می‌رسد فقدان حس تعلق به مکان در روستای جدید در بین جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله، به دلیل وابستگی قوی به مکان اولیه و ناکامی در ایجاد این پیوند و علقه در روستای جدید، منجر به کاهش سطح تاب‌آوری جامعه مزبور گردیده است.

به نظر می‌رسد جامعه اولیه مکان فعلی در کنار جریان پیوسته زندگی، از آنجا که در گزینش و ایجاد ساختارهای مربوط به خانه، روابط اجتماعی و همسایگی و سایر عوامل مؤثر در ایجاد حس وابستگی به مکان دارای قدرت انتخاب و عمل بوده‌اند سطح بالاتری از تاب‌آوری اجتماعی را نسبت به جامعه دوم که پس از زلزله و به اجبار به این مکان منتقل شده‌اند، دارا هستند.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم تاب‌آوری و نقش آن در جوامع روستایی

این مفهوم اولین بار در سال 1973 بیان شد و پس از آن به‌طور وسیع در سایر ادبیات تخصصی علوم وارد گردید (MARLEEN SCHOUTEN et al, 2009, 3) در تعریف تاب‌آوری اجتماعی می‌توان آن‌را به بخش تغییرپذیر و انعطاف‌پذیر سیستم‌های اجتماعی مربوط دانست که دارای دو شاخصه اصلی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت تطبیق‌پذیری هستند (Colburn & Tarsila, 2011, 7) سرمایه اجتماعی شامل مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی مؤثر در حل مشکلات رایج جامعه می‌باشد (L. Debertin & J. Goetz, 2013, 2).

تاب‌آوری در مقابله با سانحه به نوع مردمی که در جامعه زندگی می‌کنند و منابع در دسترس، بستگی دارد (Institute of British Columbia, 2012, 6) که این

مناسب برای جابه‌جایی که با همین هدف در زلزله پیشین منطقه تعیین شده بود، مسئولان بازسازی روستا تصمیم به تخلیه و جابه‌جایی اجباری آن به مکانی دیگر به نام شهرک واقع در جنوب غربی روستای داهوییه گرفتند.

پس از گذشت 12 سال از رخداد زلزله این سوال ایجاد می‌شود که آیا جابه‌جایی روستای مورد مطالعه موفق بوده است؟ آیا مردم روستا، مکان جدید را به‌عنوان مکانی برای زندگی برگزیده‌اند؟ و آیا این جابه‌جایی از بعد اجتماعی روستا، موجب تاب‌آوری بیشتر آن در برابر سوانح آتی همچون زلزله خواهد شد؟ با توجه به مسائل مطرح شده و وابستگی موفقیت برنامه‌های بازسازی و جابه‌جایی به افزایش ظرفیت جامعه در مواجهه با سوانح آینده، لزوم تدوین این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش‌های تحقیق

1. پس از زلزله 1383 زرنند و جابه‌جایی اجباری جامعه بومی روستای داهوییه از مکان اولیه زندگی، در حس تعلق به مکان آن‌ها در روستای جدید چه تغییراتی ایجاد شده است؟

2. حس تعلق به مکان بر میزان تاب‌آوری اجتماعی جامعه جابه‌جا شده روستای داهوییه دارای چه تأثیراتی است؟

3. سطح تاب‌آوری اجتماعی جامعه اولیه روستای داهوییه جدید که به‌صورت اختیاری در این مکان سکونت گزیده‌اند، چه تفاوت‌هایی با جامعه روستایی داهوییه قدیم که به اجبار جابه‌جا شده‌اند، دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

به‌منظور پاسخ به سوالات فوق، سه فرضیه اصلی مطرح شده است:

به نظر می‌رسد به دلایلی، پس از زلزله و جابه‌جایی اجباری روستاییان بومی داهوییه به مکان شهرک و

موارد، مفهوم آنرا در جوامع روستایی متفاوت از جوامع شهری می‌سازد. هیجمن¹ مفهوم تاب‌آوری در جوامع روستایی را مطرح نموده است. ایده مذکور بر پایه پیچیدگی فزاینده سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی روستایی و ارتباط متقابل این سیستم‌ها است (Marleen Schouten et al, 2009, 4).

بنابراین تفاوت تاب‌آوری در جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری از دیدگاه مسائل جمعیت‌شناسی، ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و اهداف زندگی بارز می‌باشد. بسیاری از این جوامع دارای ویژگی‌هایی مانند خوداتکایی، دامنه وسیع مهارت، ابزارها و کارکردن برای یکدیگرند که آن‌ها را در برابر تأثیرات سانحه مقاوم می‌سازد (Institute of British Columbia, 2012, 17). در مقابل تنوع اقتصادی و منابع مالی کم در نواحی روستایی در کنار تراکم جمعیتی کم، باعث ایجاد چالش‌های زیادی در انجام اقدامات کاهش خطر یا بازسازی پس از سانحه می‌شود (Naim Kapucu et al, 2013, 4).

تعریفی در باب مکان و حس تعلق به مکان

اصطلاح "مکان" بیان‌کننده تجارب ذهنی، معانی منسوب به محیطی که انسان در آن ساکن بوده، خاطرات قوی از آن دارد و در آن رشد کرده، می‌باشد (o.Prewitt Diaz et al, 2013, 3) در حقیقت مکان محیطی است که فرد عمده وقت خود را در آن می‌گذراند، ماهیتی کلان سیستم که تأثیر قدرتمندی بر عملکردهای احساسی و روانشناسی دارد. مکان می‌تواند به‌عنوان محل استقرار با معنا تعریف شود و وابستگی به مکان "قید مؤثری است که انسان را به مکان مرتبط می‌سازد" (Helen Adams et al, 2015, 5).

رلف² در تعریف خود، حس تعلق مکان را "برقراری ارتباط با مکان به‌واسطه درک نمادها و آن معانی که در

جریان فعالیت‌های روزمره اتفاق می‌افتد و متأثر از ارزش‌های فردی و جمعی است و با گذر زمان عمیق شده و گسترش یافته‌اند " تعریف کرده است. این حس که از آن به تعلق تعبیر می‌شود، حسی که توأم با عاطفه نسبت به مکان است (لک و غلامپور، 1394، 149).

مطالعه در مورد حس تعلق مکانی توسط تخصص‌های مختلف بررسی شده است که درک ابعاد مفهومی متفاوتی از آنرا فراهم می‌نماید. مطالعات تجربی نشان می‌دهند که در محیط‌های مسکونی، حس مکان اغلب توسط ساکنان شکل می‌گیرد و با باورهای شخصی و خصوصیات آنان مرتبط است (Helen J Boon et al, 2016, 91).

حس تعلق به مکان در دو دسته درونی و بیرونی دیده شده و شامل بعد اجتماعی حس تعلق به مکان، بعد احساسی (ادراک و شناخت) تعلق به مکان، و تعلق کالبدی می‌باشد (سیاوش پور و دیگران، 1393، 9). تعلق به مکان لایه‌های ادراک، مفاهیم و تجربیات مکان را شرح می‌دهد. فعالیت‌ها و شکل کالبدی موجود در مکان بر حس وابستگی افراد تأثیر می‌گذارد و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی، خاطرات و مفاهیم شخصی بر وابستگی و احساس تعلق به مکان مؤثر است (شاهچراغی و بندرآباد، 1394، 275).

در موقعیت سانحه، مکان محیطی است که مردم سانحه‌دیده آنرا به‌عنوان یک محیط زندگی به اندازه کافی خوب می‌شناسند. ذهنیت مردم آسیب‌دیده مربوط به مکان به سه عامل کلیدی در فرایندهای اجتماعی- روانی مربوط است که شامل دل‌بستگی‌ها، روابط خویشاوندی و هویت می‌باشد (o.Prewitt Diaz et al, 2013, 3) در بسیاری از موارد پس از سوانح و جابه‌جایی، حس تعلق به مکان منجر به بازگشت افراد به مکان قبلی می‌گردد (Helen J Boon et al, 2016, 91).

ارتباطات اجتماعی در بین بسیاری از ساکنان جوامع روستایی محصول جنبی حس مکان و اتصال به زمین یا خانه می‌باشد (Curtin & Cohn, 2015). بنابراین کاهش تاب‌آوری، تابعی از چگونگی ارتباط آن با مکان و هویت محدوده و ویژگی‌های خاص محل می‌باشد و سطوح بالای وابستگی به مکان منجر به افزایش تاب‌آوری می‌گردد. از این منظر تاب‌آوری و دلبستگی به مکان تبدیل به اجزای مرتبط و نزدیک یک سیستم می‌شوند که روابط بین آن‌ها با ادراک از تداوم مکان گره خورده است. بنابراین یکی از رویکردهای مهم در جابه‌جایی، اطمینان از حس تعلق به مکان برای اطمینان از تاب‌آوری اجتماعی است. (Helen Adams et al, 2015, 6) ثابت شده است که در افزایش تعلق به مکان پس از سوانحی همچون زلزله، توجه به کیفیات محسوس و نامحسوس کالبد، خاطرات و معانی انضمامی فضا مؤثر خواهند بود. به نظر می‌رسد در انتقال خاطرات جمعی با هدف افزایش حس تعلق به مکان، دو فاکتور نمادها و مراسم تأثیرگذار خواهند بود (فلاحی و اصلانی، 1394، 2).

چارچوب نظری پژوهش

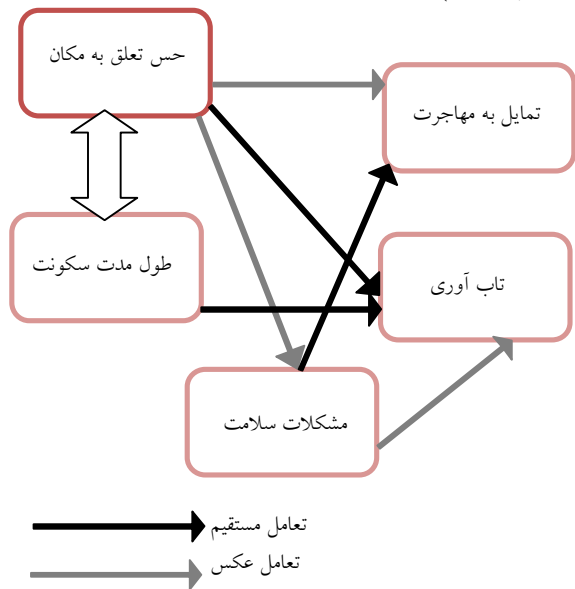
به دنبال پیچیدگی روابط بین حس مکان با مفاهیم ادراک، هویت و پیوستگی اجتماعی، هاشم‌نژاد و همکاران مقوله وابستگی به مکان را به‌عنوان شاخص برجسته و مؤثر در سنجش میزان حس تعلق به مکان پیشنهاد داده‌اند. در این دیدگاه، فاکتورهای فیزیکی، اجتماعی، شخصی، خاطرات و تجارب عمیق، رضایتمندی از مکان، فعالیت‌ها و تعاملات بین فرد با فرد و فرد با مکان و زمان مؤثر بر وابستگی به مکان، شمرده شده‌اند (هاشم‌نژاد و دیگران، 2013، 9).

در سنجش وابستگی به مکان مدل کایل 2005 با قابلیت کاربرد در بازسازی پس از سانحه پیشنهاد شده

سانحه، حس تعلق به مکان و اختلال در تاب‌آوری اجتماعی

بلایای بزرگ موجب اختلال در شبکه‌های اجتماعی - روانی از جمله اختلال در حس تعلق به مکان و کاهش تاب‌آوری می‌شوند. اختلال در حس تعلق به مکان به دلیل عدم وجود نشانه‌های ملموس اجتماعی و زیست محیطی برجسته، موجب تضعیف توانایی فرد در یکپارچه‌سازی گذشته با حال می‌گردد. (O. Prewitt Diaz et al, 2013, 4)

پس از سانحه، حس تعلق به مکان نقشی حمایت کننده در تاب‌آوری جوامع روستایی که همبستگی اجتماعی، بازتوانی و تاب‌آوری آن‌ها بیش از سایر جوامع است، بازی می‌کند و رابطه مستقیمی بین این دو شاخص قدرتمند وجود دارد (تصویر شماره 1). به همین دلیل اغلب جوامعی که پس از سانحه مجبور به ترک مکان زندگی خود می‌گردند، در مکان جدید حس تعلق خود را از دست می‌دهند. (Helen J Boon et al, 2016, 101).

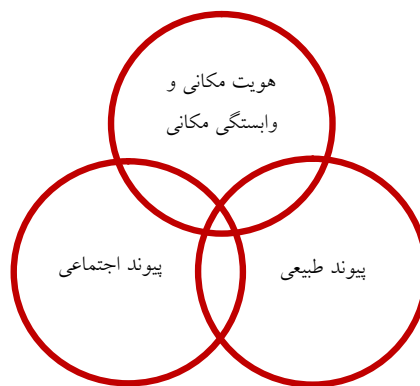


ت 1. مدل ارتباط بین حس مکان و فاکتورهای اجتماعی.

منبع: Helen J Boon, 2016.

است که در آن دل‌بستگی به مکان با فاکتورهای هویت مکان، وابستگی به مکان و پیوند اجتماعی نشان داده شده است (لک، 1394، 162) پیوند اجتماعی به عنوان عاملی مشترک بین تاب‌آوری اجتماعی و وابستگی به مکان است.

از سویی نیز رایموند، براند، وبر در سال 2010 مدل شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی را ارائه داده‌اند که به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت روستایی مورد پژوهش و ارتباط نزدیک آن با طبیعت، این مدل برای پیشبرد تحقیق مناسب باشد (تصویر شماره 2). بر این اساس هویت و وابستگی مکانی شامل شخص، هویت مکانی و وابستگی مکانی، پیوند طبیعی شامل محیط طبیعی، ارتباط با طبیعت، هویت محیطی و وابستگی به محیط و پیوند اجتماعی نیز شامل اجتماع، همسایگی، دل‌بستگی، تعلق‌پذیری و آشنایی می‌باشند (شاهچراغی و بندرآباد، 1394، 279). در یک همگرایی از ادبیات موجود، عوامل مؤثر در پیشبرد موضوع تحقیق در یک دسته‌بندی کلی گردآوری و در جدول شماره 1 ارائه گردیده‌اند.



ت. 2. مدل شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی رایموند، براند وبر 2010.

محدوده مورد مطالعه

روستای داهوییه واقع در منطقه‌ای کوهستانی در 17 کیلومتری جنوب شرق شهرستان زرنند و دارای 824 نفر جمعیت می‌باشد. براساس مستندات به دنبال زلزله سال 1368 شهرستان زرنند، بنابر تشخیص مسئولین وقت بازسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی بخشی از زمین‌های واقع در دامنه کم شیب جنوب غربی روستای داهوییه تسطیح و به منظور جابه‌جایی و بازسازی مسکن به روستائیان واگذار شد. پس از زلزله، عدم وجود خسارت جانی، تخریب و آسیب کم ابنیه، نزدیکی به باغات روستا، وابستگی به مکان و عناصر ارزشمندی مانند امامزاده، قبرستان، قنات و چشمه روستا، تناسب منظر و تنیدگی مکان با محیط سبز طبیعی و اقلیم در مقابل شرایط نامناسب سایت جدید، موجب عدم تمایل روستائیان به جابه‌جایی شد.

با گذشت زمان، به دلیل محدودیت روستا به کوه از یک سو و باغات و زمین‌های کشاورزی از سوی دیگر در کنار رشد جمعیت و نیاز به زمین، ساخت و ساز در سایت جدید شهرک توسط بخشی از جامعه جوان روستای داهوییه آغاز گردید. پس از رخداد زلزله 1383 زرنند، روستا دچار تخریب کامل شد و به دلیل حجم بالای آسیب و آوار موجود، روستائیان مجبور به جابه‌جایی و تخلیه کامل روستا شدند. تصویر شماره 3 موقعیت اولیه و جدید روستای داهوییه را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

براساس ماهیت مورد پژوهش تحقیق دارای دو رویکرد کیفی و کمی می‌باشد. در آزمون فرض‌های تحقیق از تکمیل پرسشنامه که پایایی درونی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ بررسی و پس از حذف سوالات با همبستگی

تحقیق، تعیین و به شیوه نمونه‌گیری احتمالی، روش طبقه‌ای و به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. تعداد نمونه‌های هر طبقه بر حسب جمعیت و فرمول موجود شامل 20 نمونه از روستاییان جابه‌جا شده و 27 نمونه نیز از ساکنین اولیه شهرک تعیین شد.

در تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از 32 سنجه در قالب 3 شاخص اصلی و 8 شاخص فرعی برای سنجش حس تعلق به مکان به‌عنوان متغیر مستقل و همچنین 18 سنجه برای دو شاخص اصلی تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته به حس تعلق به مکان استفاده شده است. روش تحلیل آماری - توصیفی، با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی همچون ضریب رگرسیون و روش مقایسه میانگین‌ها جهت پیش‌بینی روابط متغیرها، آزمون t مستقل با هدف پایایی نتایج و مقایسه میانگین دو جامعه روستایی مورد نظر و تحلیل واریانس با هدف دستیابی به نمایی واقعی از داده‌ها بهره گرفته شده است.

کمتر، ضریب آلفا 0.703 به‌دست آمد و با توجه به پرسش‌های تحقیق از روش آمار پارامتریک به‌منظور کشف تأثیر اصلی و نیز تأثیرات تعاملی متغیر مستقل تعلق مکانی بر روی متغیر وابسته تاب‌آوری اجتماعی با فرض توزیع نرمال جامعه و با هدف تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج به دست آمده، بهره گرفته شده است. در نهایت براساس شاخص‌های مؤثر که طی روش مذکور تعیین گردیده‌اند و با استفاده از مشاهدات میدانی و مصاحبه نیمه‌ساختارمند با مسئولین بازسازی وقت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمان، دهیاری روستای داهوییه و افراد مطلع محلی، نتایج به دست آمده از روش کمی، به روش کیفی توصیف و تبیین گردیده‌اند.

جامعه آماری تحقیق شامل روستاییان بومی داهوییه که اجباراً جابه‌جا شده‌اند و ساکنین اولیه شهرک که پیش از زلزله نیز ساکن در مکان فعلی بوده‌اند، می‌باشد. براساس فرمول کوکرن تعداد 47 نمونه آماری برای

متغیر مستقل		شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها		سنجه‌ها	
حس تعلق به مکان	فاکتورهای اجتماعی	فاکتور خاطرات و تجارب عمیق	پیوند اجتماعی	آشنایی	
			تعلق پذیری	اجتماع	
			پیوند طبیعی	دلچسپی	
	فاکتورهای فرهنگی	فاکتورهای شخصی	هویت مکانی و وابستگی مکانی	محیط طبیعی	ارتباط با طبیعت
				هویت محیطی	تمایز
				روابط عاطفی فرد- مکان	رضایتمندی
فاکتور فعالیتها و تعاملات	فاکتور زمان	هویت مکانی و وابستگی مکانی	خصوصیات فردی	تداوم مکان	
			عزت نفس	مالکیت	
			خودکارایی		
متغیر وابسته		تاب‌آوری اجتماعی			
سطح اعتماد		سرمایه اجتماعی		ظرفیت تطبیق پذیری	
قبول تغییرات	چشم اندازهای مثبت	روابط خویشاوندی- همسایگی	مشارکت اجتماعی		
		خودتکابی	روابط طولانی مدت		
		شبکه‌های اجتماعی	شبکه‌های مردمی		
		همگونی نژادی، قومی و مذهبی	اقتصاد متنوع		
		تجربه و یادگیری	هنجارها		
کارکردن برای یکدیگر					

ج 1. چارچوب انجام پژوهش. منبع نگارندگان.

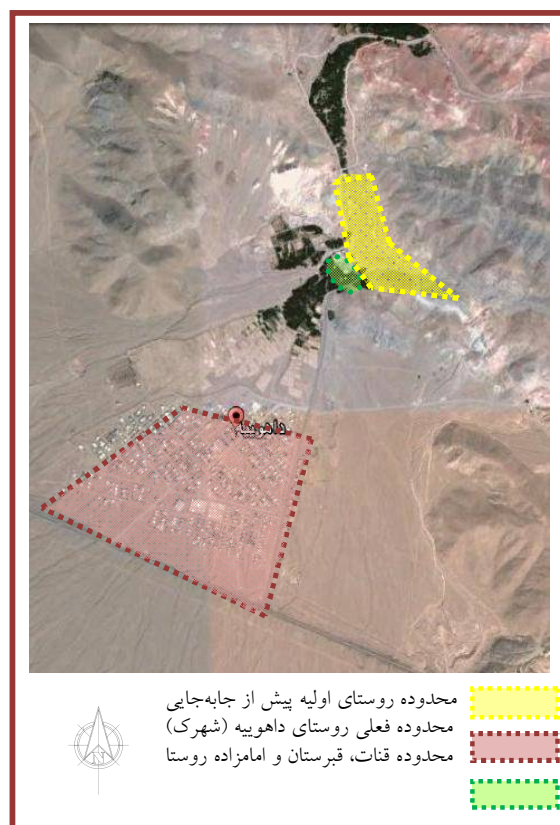
زیرساخت‌های مناسب در مکان فعلی، قابل ملاحظه است. بقایای آوار، مشکلات و مسائل در تعیین مالکیت‌ها پس از زلزله از مطرح‌ترین موانع پیش‌رو در بازگشت این جامعه ذکر شده‌اند. موارد مذکور در کنار برگزاری مراسم و مناسبات جمعی روستا نظیر تاسوعا و عاشورای حسینی در مکان قدیم با وجود فضای مناسب و کافی در شهرک، دلالت بردلبستگی زیاد جامعه جابه‌جا شده به مکان اولیه خود دارد (تصویر شماره 4).



ت 4. برگزاری مراسم عزاداری در مکان روستای داهویه قدیم.

از سوی دیگر در بررسی دلایل عدم تعلق به مکان فعلی روستا براساس مدل پژوهش، ایجاد اختلال در پیوندهای اجتماعی و کاهش کیفیت زیست محیطی و پیوند با طبیعت دارای بیشترین تأثیر بوده‌اند (تصویر شماره 5 و نمودار شماره 1).

در سنجش دلایل ایجاد خدشه در پیوندهای اجتماعی روستا، مقولاتی نظیر از بین رفتن مکان اجتماع روستاییان که بیشتر در محوطه امامزاده و پیرامون قنات روستا وجود داشته و عدم شکل‌گیری اینچنین مکانی در روستای جدید، تغییرات زیاد در واحدهای همسایگی، عدم بازگشت رویه‌های زندگی به موقعیت پیش از زلزله



محدوده روستای اولیه پیش از جابه‌جایی
محدوده فعلی روستای داهویه (شهرک)
محدوده قنات، قبرستان و امامزاده روستا

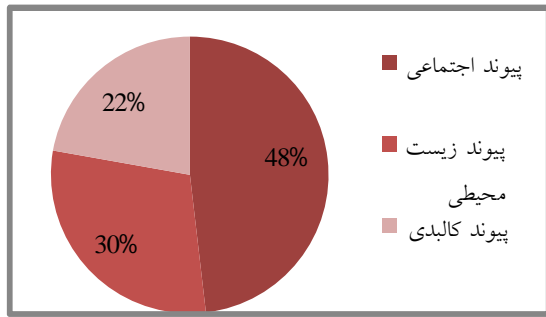
ت 3. موقعیت روستا. منبع: google earth.

یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه یک: به نظر می‌رسد به دلایلی، پس از زلزله و جابه‌جایی اجباری روستاییان بومی داهویه قدیم به مکان شهرک و تخلیه اجباری روستایشان، جامعه جابه‌جا شده حس تعلق به مکان نداشته‌اند.

در آزمون میزان دللبستگی جامعه مورد پژوهش به مکان اولیه روستا، مشخص شد که افراد با میانگین سکونت 10 سال و بیشتر در روستای قدیم، دارای میانگین سطح دللبستگی زیاد و بسیار زیاد به آن هستند. در بررسی‌ها گزینه تمایل در بازگشت به روستای قدیم در کل جامعه جابه‌جا شده به‌رغم وجود تسهیلات و



ن 1. نقش شاخص های اصلی پژوهش در عدم تعلق به مکان فعلی.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد فقدان حس تعلق به مکان در روستای جدید در بین جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله، به دلیل وابستگی قوی به مکان اولیه و ناکامی در ایجاد این پیوند و علقه در روستای جدید، منجر به کاهش سطح تاب‌آوری جامعه مزبور گردیده است.

برای آزمون این فرضیه ضریب رگرسیون برای حس تعلق به مکان و تاب‌آوری، محاسبه و برای تعیین سهم متغیر از روش تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون در جدول شماره 2 ارائه شده است.

با توجه به اینکه R^2 درصد واریانس حس تعلق به مکان و تاب‌آوری است، نتایج جدول نشانگر آن است که متغیر حس تعلق به مکان $37/8$ درصد از واریانس تاب‌آوری را در گروه روستاییان پیش‌بینی می‌کند. با توجه به F محاسبه شده برای معناداری مدل رگرسیون که در سطح کمتر از $0/01$ معنادار است، لذا مدل رگرسیون خطی دارای معنا می‌باشد. نتایج حاصل در جدول شماره 3 ارائه شده‌اند.

و کاهش در عواملی همچون روابط روستاییان، نقش معتمدین و بزرگان روستا در مدیریت مسائل روستا، مشارکت جامعه در مسائل عمومی، اعتماد و میزان امید به آینده مشخص شده‌اند. در مبحث اختلال در پیوندهای زیست محیطی عواملی مانند ناسازواری سایت و بافت روستای جدید با شرایط اقلیمی محل، سبب نارضایتی از جابه‌جایی و مکان فعلی شده است. افزون بر این، فقر پوشش گیاهی در این مکان برخلاف تیدگی باغات و مناظر سبز با کالبد در روستای قدیم داهوییه و فقدان آب شرب مناسب علی‌رغم وجود قنات قدیم به صورت برجسته مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در نهایت از جنبه خدشه بر هویت کالبدی مؤثر در عدم تعلق خاطر جامعه جابه‌جا شده به روستای فعلی می‌توان به مسائلی مانند نارضایتی از عملکرد، مساحت و مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن جدید به لحاظ شرایط اقلیمی و هزینه‌های ساخت، تعمیر و نگهداری در مقابل خانه‌های بومی روستا، شکل خانه و تناسب مساحت آن با نوع اقتصاد و فعالیت خانوار اشاره کرد.



ن 5. فقدان پوشش گیاهی و ساخت‌وساز ضعیف در روستای جدید داهوییه.

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	R	R ²	F	سطح معناداری
تأثیر حس تعلق به مکان بر تاب‌آوری	رگرسیون	313/38	1/00	0/615	0/378	**17/63	0/001
	باقیمانده	515/59	29/00				
	جمع	828/97	30/00				
**=P<0/01 *=P<0/05							

ج 2. نتایج معناداری مدل رگرسیون برای پیش‌بینی نقش حس تعلق به مکان در تاب‌آوری اجتماعی. منبع: نگارندگان.

متغیر	B	خطای معیار	Beta	آماره t	سطح معناداری
ثابت	22/47	5/19		4/33	0/001
حس تعلق به مکان	0/74	0/18	0/61	4/20	0/001

ج 3. ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی تاب‌آوری. منبع: نگارندگان.

اختلاف در حل مشکلات روستا و کاهش سطح اعتماد بین مردم قابل رویت است. علاوه بر این، با وجود تأکید بسیاری از متون مرتبط، بر نقش‌آفرینی مالکیت در ایجاد حس تعلق به مکان، در پژوهش حاضر این فاکتور به دلیل وجود عوامل زیاد در تضعیف تعلق مکانی، فاقد تأثیر مثبت بر ایجاد حس تعلق به مکان و افزایش تاب‌آوری اجتماعی بوده است.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد جامعه اولیه مکان فعلی در کنار جریان پیوسته زندگی، از آنجا که در گزینش و ایجاد ساختارهای مربوط به خانه، روابط اجتماعی و همسایگی و سایر عوامل مؤثر در ایجاد حس وابستگی به مکان دارای قدرت انتخاب و عمل بوده‌اند سطح بالاتری از تاب‌آوری اجتماعی را نسبت به جامعه دوم که پس از زلزله و به اجبار به این مکان منتقل شده‌اند، دارا هستند. به منظور بررسی این فرضیه، T مستقل بین میزان تعلق به مکان در جامعه اولیه (جابه‌جا شده پیش از زلزله) و جامعه دوم (جابه‌جا شده پس از زلزله) محاسبه شد. نتایج در جدول شماره 4 ارائه شده‌اند.

نتایج نشان می‌دهد که کاهش حس تعلق به مکان قادر به پیش‌بینی کاهش تاب‌آوری است و آزمون t برای معناداری ضرایب رگرسیون در سطح کمتر از 0/01 معنادار است. ضرایب β (ضریب استاندارد شده رگرسیون) حس تعلق به مکان (0/61) است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم کاهش حس تعلق به مکان و کاهش میزان تاب‌آوری است.

مشخص شد خدشه یا اختلال در ساختارهای اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی روستا پس از زلزله و جابه‌جایی و تعارض شرایط موجود با ویژگی‌ها و انتظارات مختلف روستاییان منجر به ناکامی جامعه جابه‌جا شده در ایجاد حس تعلق در مکان جدید و متعاقب آن کاهش سطح تاب‌آوری اجتماعی آن‌ها شده است. این کاهش در مقولاتی همچون کمرنگ شدن مشارکت روستاییان در برگزاری مراسم و مناسبات جمعی و تضعیف روابط اجتماعی، بی‌انگیزگی در بازگرداندن رویه زندگی به موقعیت پیش از زلزله و بازسازی اقتصاد خانوار، امید به آینده بسیار کم خصوصاً در قشر میانسال، ایجاد تنش و

متغیرها	تعداد	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معنادار
جابه‌جایی اختیاری پیش از زلزله	27	30.65	2.33	29	0/02
جابه‌جایی پس از زلزله	20	27.21			
کل	47				
**=P< 0/01 *=P<0/05					

ج 4. T مستقل تعلق به مکان فعلی در دو جامعه مورد پژوهش. منبع: نگارندگان.

میانگین $M=30/65$ بیشتر از جامعه دوم با میانگین $M=27/21$ است. همچنین به منظور بررسی سطح تاب‌آوری اجتماعی جوامع مذکور، T مستقل میزان تاب‌آوری آن‌ها محاسبه شد. نتایج در جدول شماره 5 ارائه شده است.

نتایج جدول نشان می‌دهد که بین میزان تاب‌آوری جامعه اولیه شهرک و جامعه جابه‌جا شده ($t=2/49$) در سطح 0/05 تفاوت وجود دارد. به این معنا که بین میزان تاب‌آوری دو جامعه تفاوت معناداری وجود دارد و تاب‌آوری جامعه ساکن پیش از زلزله با میانگین $M=46/00$ بیش از جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله با میانگین $M=41/64$ است.

این تفاوت، در میزان مشارکت ساکنین اولیه شهرک در بازسازی روستا نسبت به جامعه‌ای که به اجبار جابه‌جا شده و اختلافات و تنش‌های ایجاد شده در این فرایند به وضوح مشخص است. براساس تحلیل‌ها، پذیرش تغییرات ایجاد شده پس از زلزله، حس اتحاد اجتماعی قوی و بسط یافتن هنجارهای گروهی به عکس جامعه جابه‌جا شده و مشارکت در فعالیت‌هایی مانند سرمایه‌گذاری در فرایند بازسازی، نگهداری و توسعه مسکن، کمک در بازسازی مسکن اقوام و نزدیکان، سطح بالای اعتماد بین اهالی اولیه روستای فعلی و رضایت از روابط موجود پس از زلزله همگی نشان از تاب‌آوری بالای این جامعه دارند.

در خلال عوامل مختلف و مؤثر در تأیید این فرضیه، تأثیر سن در تعلق به مکان فعلی بارز می‌باشد. به نظر می‌رسد قشر جوان‌تر روستا دارای پیوندی قوی به مکان فعلی می‌باشند. تمایل و انگیزش این جامعه در ترک مکان قدیم و قدرت انتخاب و عمل در ایجاد ساختارهای اجتماعی و کالبدی لازم برای زندگی در سایت جدید در ایجاد حس تعلق به مکان دخیل بوده‌اند. رضایت از مکان روستا و مسکن موجود، وابستگی کم به عناصر و المان‌های دارای ارزش برای افراد جابه‌جا شده در مکان قدیم روستا، تناسب مسائل اجتماعی، کالبدی و خانه از دیدگاه آن‌ها به دلیل اختیار اولیه در انتخاب و تعیین محل، ابعاد و ساخت مسکن، فضاهای جنبی، واحدهای همسایگی و روابط اجتماعی، سبب تمایل کم به مهاجرت و بالا بودن ابعاد مختلف حس امنیت در بین این جامعه شده است. موارد مذکور دال بر بالا بودن حس تعلق به مکان آن‌ها، در مقابل جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله است.

نتایج نشان می‌دهد که بین میزان تعلق به مکان در جامعه اولیه روستای فعلی (جابه‌جا شده پیش از زلزله) و جامعه دوم (جابه‌جا شده پس از زلزله) ($t= 2/33$) در سطح 0/05 تفاوت وجود دارد. یعنی بین میزان تعلق به مکان ساکنین اولیه شهرک و جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد میزان تعلق به مکان جامعه ساکن در شهرک با

متغیرها	تعداد	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معنادار
جامعه اولیه ساکن در شهرک	27	46/00	2.49	29	0/02
جامعه جابه‌جا شده پس از زلزله	20	41.64			
کل	47				
**=P< 0/01 * =P<0/05					

ج 5. T مستقل میزان تاب‌آوری در دو جامعه مورد پژوهش. منبع: نگارندگان.

نتیجه

روی میل و رغبت (که در ساکنین داهوییه جدید قبل از زلزله وجود داشته) و جابجایی با اجبار (ساکنین داهوییه قدیم پس از زلزله)، در ایجاد تعلق مکانی مؤثر بوده است. علاوه بر این فاکتور مدت زمان اقامت نیز در ایجاد حس تعلق به مکان فعلی مؤثر بوده است، بدین نحو که افراد با مدت زمان بیش از 15 سال زندگی در سکونتگاه فعلی، تعلق بیشتری به آن دارند. به دنبال آن براساس تحلیل‌ها، مشخص شد در جامعه اولیه شهرک حس تعلق به مکان فعلی، سبب افزایش ابعاد مختلف تاب‌آوری اجتماعی مانند سطح بالای اعتماد، امید به زندگی در میانسالان، حس امنیت در محیط روستا، خوداتکایی در ساخت خانه و کمک‌رسانی در ساخت و حفظ فضاهای جدید در روستا، یاری رساندن به یکدیگر در حل مشکلات و برگزاری مراسم و مناسبات روستا به صورت منسجم‌تر و عدم تمایل به مهاجرت شده است.

نظر به اینکه ایجاد حس تعلق به مکان و به دنبال آن افزایش تاب‌آوری در جامعه جابه‌جا شده، با رویکرد احیای هویت بومی کالبد روستا پس از جابه‌جایی و بازسازی، امری مشکل یا حتی غیرممکن است، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، هدف مذکور به مدد تقویت و ایجاد زندگی و خاطرات جمعی و روابط اجتماعی، با یاری جامعه با تاب‌آوری بیشتر و تقویت محیط زیست طبیعی روستای فعلی

براساس آزمون فرضیه‌های تحقیق و سنجش تأثیر متقابل دو مفهوم تعلق به مکان و تاب‌آوری اجتماعی، مشخص شد که در جامعه جابه‌جا شده روستای داهوییه پس از زلزله سال 1383، نوعی تمایل به بازگشت به روستای قدیم در کل جامعه و کاهش امید به زندگی در افراد میانسال دیده می‌شود که نمایانگر عدم تعلق به مکان فعلی است. تأکید تمامی افراد جامعه مزبور بر ویژگی‌های بارز روستای قدیم همچون ساخت بناها از سنگ و مطابقت اقلیمی آن، امامزاده و قبرستان روستا به عنوان مکان جمعی در مناسبات مختلف روستا و ایام عادی سال، چشمه و قنات روستا و دسترسی مناسب به آب شرب، اتحاد، همبستگی و روابط نزدیک‌تر افراد و خویشاوندان روستا، در مقابل فقدان این موارد در روستای فعلی نشان از این مهم و ناکامی در ایجاد حس تعلق به مکان جدید دارد. افراد در مقابل این چالش، واکنش‌هایی نظیر عدم رضایت از موقعیت فعلی روستا، ظاهر و ویژگی خانه‌های ساخته شده، همسایگی، اعتماد، کمک و مشارکت اجتماعی در حل مشکلات و ساخت وسازهای جدید در بین روستاییان، داشته‌اند. این در حالی است که موارد یاد شده در جامعه اولیه شهرک که در گزینش مکان خانه، روابط اجتماعی و ایجاد ساختارهای زندگی آزادی عمل داشته‌اند، دیده نشد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد تمایل به جابه‌جایی از

- مرتضوی، حسین. (1385)، کوچی برای همیشه (بررسی و جابه‌جایی روستا)، نشریه صفا، شماره 42، بهار و تابستان 1385.

- لک، آزاده؛ غلامپور، اشکان. (1394)، درک معنای حس مکان در بازسازی مسکونی بم، مورد مطالعاتی: مجموعه مسکونی نرگس. نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 149، بهار 1394.

- لک، آزاده. (1394)، تجربه بازآفرینی حس دلبستگی به مکان در محلات آسیب‌دیده از زلزله با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای، بررسی موردی: امامزاده زید و قصر حمید در بم، دو فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره 15، پاییز و زمستان 1394.

- Adams, Helen. Alaniz, Ryan. Bronen, Robin Mcnamara, Karen. (2015), Maintaining and Building 'Place' Through Manage and Forced Community Relocations: Lessons for Climate Changed World, Unu-Ehs Working Paper Series, United Nations University Institute of Environment and Human Security.

- Colburn, Lisa, Seara, Tarsila, (2011), Resilience, Vulnerability, Adaptive Capacity, and Social Capital, 2nd National Social Indicators Workshop, Noaa Fisheries Service.

- Curtin, Lisa, Cohn, Tracy. (2015), Overview of Rural Communities: Context, Challenges and Resilience. Resilience in Rural Communities is Enhanced Through Supportive Social Networks. Psychology and AIDS Exchange Newsletter.

- Davis. Ian, O.Izadkhah. Yasamin, (2006), Building Resilient Urban Communities, Y.O. Special Issue on South Asian Tsunami, Open House International Journal, Vol.31, 11-21

- DFID (Department for International Development), (2008), Transitional Settlement and Reconstruction after Natural Disasters, United Nations, Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA).

- Dikmen, Nese. (2006), Relocation or Rebuilding in the Same Area: An Important Factor for Decision Making for Postdisaster Housing Projects, IF Research Group, University of Montreal.

- Hashemnezhad, Hashem, Heidari, Ali Akbar, Mohammad Hoseini, Parisa, (2013), "Sense of Place" and "Place Attachment"

در واقعیت قابل دستیابی خواهد بود. در این راستا برگزاری مراسم و مناسبات مشترک به منظور ایجاد حس وحدت بین دو جامعه در مکانی از روستا با قابلیت نشانه شدن، ایجاد فضای جمعی با مشاهده نقطه تجمع غالب افراد روستا و افزایش کیفیت شرایط آب شرب، محیط زیست و کمیت فضاهای سبز طبیعی در منظر روستا مؤثر واقع خواهند شد.

پی‌نوشت

1. Heijman
2. Relph

فهرست منابع

- پرتوی، پروین. (1394)، پدیدار شناسی مکان، انتشارات فرهنگستان هنر.

- سرتیپی‌پور، محسن؛ هاشمیان، عاطفه سادات؛ حسینی، مرضیه. (1394)، تبیین الزامات بازسازی پس از سانحه بر سیاست جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی، نمونه موردی: روستای اسطوخ کوه، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 151، 3-18.

- سیاوشپور، بهرام؛ شادلو جهرمی، مجتبی؛ مولایی رامشه، زهره. (1393)، ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تکیه بر مؤلفه‌های شهر اسلامی/مشهد مقدس.

- شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا. (1394)، محاط در محیط، کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، انتشارات جهاد دانشگاهی.

- فلاحی، علیرضا؛ اصلانی، فرشته. (1394)، بازسازی محله بازار پس از زلزله 1382 بم با رویکرد خاطره جمعی، نشریه هنرهای زیبا، دوره 20، شماره 4، زمستان 1394.

(A Comparative Study), International Journal of Architecture and Urban Development Vol. 3, No. 1, Winter 2013.

- Institute of British Columbia, Office of Applied Research, (2012), Rural Disaster Resilience Planning Guide Assessing Risks and Building Resilience For Disasters in Rural, Remote and Coastal Communities.

- J. Boon, Helen. Cottrell, Alison. King, David. (2016), Disasters and Social Resilience: A Bioecological Approach, By Routledge.

- Kapucu.Naim, V. Hawkins. Christopher, I. Rivera. Fernando, (2013), Disaster Preparedness and Resilience for Rural Communities, Risk, Hazards & Crisis in Public Policy, Vol. 4, No. 4.

- L. Debertin. David, J. Goetz. Stephan, (2013), Social Capital Formation in Rural, Urban And Suburban Communities, Journal of Economic Literature R58 Regional Development Policy, University of Kentucky Staff Paper 474.

- O. Prewitt Diaz, Joseph, (2013), Recovery: Re-Establishing Place and Community Resilience, Global Journal of Community Psychology Practice, 4(3), 1-10.

- Schouten, Marleen, Van Der Heide. Martijn, Heijman. Wim, (2009), Resilience of Social-Ecological Systems in European Rural Areas: Theory and Prospects, 113th Eaae Seminar "The Role of Knowledge, Innovation And Human Capital In Multifunctional Agriculture and Territorial Rural Development", Belgrade, Republic of Serbia, December 9-11, 2009.